

بسمه تعالی  
نهضت آزادی ایران  
تاسیس ۱۳۴۰

## نامه به روزنامه کیهان در مورد مقاله «ورشکستگی لیبرالیسم در ایران»

### روزنامه محترم کیهان

در شماره ۱۳۷۶۸ مورخ ۶۸/۹/۴ آن روزنامه مقاله‌ای با عنوان «ورشکستگی لیبرالیسم در ایران» با امضای مسعادت درج گردیده است که به دلیل خلاف واقع بودن و تحریف، تهمت و اشاعه اکاذیب علیه نهضت آزادی ایران و بعضی از مسئولین آن خواهشمند است طبق قانون مطبوعات نسبت به درج توضیحات ذیل در همان صفحه اقدام نمائید.

نویسنده مقاله ضمن استناد به مطالبی بی اساس از قول آقای حاج سید احمد خمینی و با نقل دو مطلب از اسناد لانه جاسوسی به تکرار یک سلسله مطالب کلیشه‌وار کهنه شده واهی پرداخته و با فحاشی و هتک حرمت و به کار بردن کلمات موهنی همچون: «جاسوسان، مامور آمریکا، سرسپردگان، بیگانگان، خیانتکار، احزاب دروغین، بازرگانان شکست خورده بازار سیاست آمریکا در ایران، سرسپردگان به بیگانگان، تغذیه در آخور غرب و آمریکا، و...» علیه نهضت آزادی ایران و سران آن جوسازی و لجن پراکنی‌هایی کرده است که ضرورت دارد در مورد برخی تهمتهای وارده توضیحات مختصری داده شود.

۱- در مورد اینکه لیبرالیسم چیست، و منظور از لیبرالها چه کسانی هستند، و چه کسانی برای اولین بار این واژه را در آستانه پیروزی انقلاب وارد فرهنگ انقلاب اسلامی کردند و اینکه بدون رسیدگی در دادگاه صالحه، هتک حرمت از اشخاص و جمعیت‌ها در رسانه‌های گروهی با کدام قانون بشری و معیار و میزان اخلاقی سازگار است، و جایگاه چنین انگ‌ها و برچسب‌ها در کجای فرهنگ اسلامی است و چگونه با فرمان صریح قرآنی «ولا تتابزوا بالالقباب» و احادیث متواتر از رسول اکرم و ائمه هدی قابل

توجیه است؟ در نشریات گذشته توضیحات کافی داده‌ایم و خوشبختانه امروز واقعیت‌ها برای اکثریت ملت روشن شده و با گذشت زمان نیز روشن‌تر خواهد شد. سازندگان اینگونه کالاها باید بدانند که دیگر بازاری برای این نوع صنعت مبتدل سیاسی وجود ندارد و جز آب در هاون کوبیدن نتیجه‌ای نمی‌گیرند.

۲- چگونگی نقل مطالب از «اسناد لانه جاسوسی» بهترین شاهد سوء نیت تهیه کننده مقاله می‌باشد، نویسنده همچون کسانی که «کلوا واشربوا» را گرفته، «ولاتسرفوا» را فراموش می‌کنند با حذف تاریخ (سال ۱۳۵۸) از سند اول، ملاقات قانونی و علنی نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت موقت انقلاب را با نمایندگان سیاسی سفارت آمریکا، که مطالب آن قبل از کشف نویسنده و یا انتشار در اسناد لانه جاسوسی به اطلاع عموم رسیده است، «ذنب لا یغفر» شمرده و با پس و پیش قرار دادن دو سند و حذف تاریخ آن‌ها چنین وانمود کرده است که این ملاقات در سالهای قبل از پیروزی انقلاب انجام شده و آن را دلیلی بر روابط مخفیانه و سرسپردگی به سیاست آمریکا دانسته است. در حالیکه آقای مهندس بازرگان این ملاقات را با صراحت و تفصیل کامل در دادگاه آقای مهندس امیرانتظام بیان داشته و گفته بودند سیاست دولت موقت بر اساس استفاده از تضاد دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، که هر کدام مدعی اخلاگری و دشمنی طرف دیگر در کار انقلاب اسلامی ایران بودند، استوار بوده است.

در سند دوم نیز نویسنده با حذف مقدمات و موخرات و انتقال جمله بریده شده‌ای به خواننده، خیانت در امانت کرده و غرض‌ورزی خود را نشان داده است، مقدمات این ملاقات از نامه مورخ ۱۳۵۷/۲/۳۰ آقای مهندس بازرگان به شاه و دعوت او برای «مناظره تلویزیونی» و «مباهله ملی» آغاز می‌گردد که در آن صراحتاً خطاب به شاه گفته بود: «..... یکبار با معترضین خود به جای چماق و مسلسل و تانک با سلاح منطق و قانون روبرو شوید»

آنچه در اسناد لانه جاسوسی آمده است به طور کامل به شرح ذیل است و قسمتهائی که زیر آن خط کشیده شده بخشی را نشان می‌دهد که نویسنده انتخاب کرده است:

«وزیر اطلاعات وقت (داریوش همایون) در صاحبه‌ای گفته بود: «مخالفینی که وفاداری خود را به کشور و سلطنت ابراز دارند از امکانات و سائل ارتباط جمعی برای ارائه عقاید خود برخوردار می‌شوند» در جواب این سؤال که موضع نهضت نسبت به این بیان چیست؟ بازرگان گفت: «اگر شاه بتواند تلقی خود از سلطنت را مشخص کند ما آماده‌ایم تا بگوئیم که آیا آن اعلامیه را باور داریم یا نه. از نظر تاریخی سلطنت در ایران یک نهاد استبدادی بوده است نه مشروطه. آنگاه با صرف دقت در انتخاب لغاتی که به کار می‌برد گفت که نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.<sup>۲</sup>

در اصل این سند سپس اضافه شده است:

«در اینجا دو مسئله وجود دارد یکی از جنبه نظری که آیا شاه قانون اساسی را خواهد پذیرفت؟ و دیگری از جنبه سیاسی که آیا آن را رعایت خواهد کرد؟ آیا او حاضر است مقداری از قدرت را به گروههایی که ممکن است قدمی پیش نهند واگذارد؟<sup>۳</sup>» و بلافاصله جمع‌بندی و اعلام نظر می‌شود که «به اعتقاد نهضت آزادی او (شاه) چنین کاری را نمی‌کند.»<sup>۴</sup>

ما نوار یا نوشته این مذاکرات را در اختیار نداریم تا در مورد کلمات و جملات آن اظهارنظر کنیم، اما طرح این سؤال ضروری است که نویسنده مقاله و شورای سردبیری کیهان که با قبول مسئولیت اقدام به درج چنین مقاله‌ای نموده‌اند، بر اساس کدام معیار اخلاقی و قانونی به خود اجازه داده‌اند گزارشها و برداشتهای یکطرفه بیگانگان را، بدون تبیین و تحقیق که لازمه تقوی و تعهد اسلامی است، آنهم به صورت مغرضانه و با حذف مقدمات و موخرات مبنای اتهامات واهی خود قرار داده و منتشر سازند؟ مخدوش نمودن سوابق و ارزش کار کسانی که سابقه چند دهه مبارزه ریشه‌ای با فرهنگ استبدادی داشته و خدمات علمی و فرهنگی و اجتماعی آنان نه تنها برای ملت ایران، بلکه در سطح جهانی شناخته شده است به نفع چه کسانی است؟

- 1 - اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۴ - صفحات ۱۷ و ۱۸
- 2 - اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۴ - صفحات ۱۷ و ۱۸
- 3 - اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۴ - صفحات ۱۷ و ۱۸
- 4 - اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۴ - صفحات ۱۷ و ۱۸

آیا وقت آن نرسیده است که گویندگان و نویسندگان این اباطیل عملکرد دهساله خود را مرور نمایند و با عبرت گیری از گذشته، به جای شعارهای توخالی و ادعاهای پر سروصدای انقلابی! نفعی هم به مردم مظلوم و مستضعف کشور برسانند.

..... « ..... »

آیا طرح چنین مطالبی بی‌اساس، در جلب اعتماد عمومی و مشارکت مردم، به خصوص کارشناسان و متخصصین ایرانی، در برنامه‌های بازسازی و سازندگی کشور مفید است یا عملاً زمینه ورود کارشناسان خارجی برای پایمال کردن استقلال و حاکمیت ملت را هموار می‌سازد؟

۳- مذاکرات مسئولین نهضت آزادی که مسئولیت اصلی دیپلماسی را در داخل کشور به عهده و به دوش داشتند، به اتفاق برخی از روحانیون عضو شورای انقلاب با مقامات سفارت آمریکا، دو هدف اصلی، کسب اطلاع از پایگاه اصلی رژیم شاه و تضعیف آن، به کارگیری اطلاعات برای برنامه‌ریزی و هدایت واقع‌بینانه جریان مبارزه و انقلاب، را دنبال می‌کرده است. بررسی مجموع اسناد و مدارک و کتب منتشر شده نشان می‌دهد که اگر این مذاکرات انجام نشده بود، هم تلفات و ضایعات حاصل از درگیری ارتش با مردم بیشتر می‌گردید و هم پیروزی انقلاب با چنان سرعتی میسر نمی‌گردید.

به طور خلاصه مذاکرات مسئولین نهضت و اعضای از شورای انقلاب با اتباع خارجی که شرح و توضیح مفصل آن در این مختصر نمی‌گنجد، همچنین مذاکرات رهبر انقلاب در پاریس با خارجیان، به شهادت اسناد و مدارک موجود، در راستای تأمین منافع ملت ایران و از برگهای زرین تاریخ انقلاب بوده است، هر چند بدخواهان مفروض به القاء شبهه و تحریف حقایق پردازند. شاید اظهارنظر رئیس وقت سازمان سیا و اعتراف او بر اینکه: «ما در مذاکرات سال ۵۷ از مسئولان انقلاب اسلامی ایران ضربه سختی خوردیم<sup>۲</sup>» پاسخ کفایت‌کننده‌ای برای تفرقه افکنان بیمار دل باشد.

---

1 - سوره رعد آیه ۱۷ - پس اما کف برآمده از سیل (همچنین جوش و خروش انقلابی نماها) کنار می‌رود و اما آنچه به سود مردم است باقی می‌ماند.

2 - نقل از کتاب خاطرات ترنر از انتشارات موسسه اطلاعات

۴- در اواخر مقاله، بدون آنکه تاریخ و سند و مأخذی ذکر شده باشد، مطلبی از آقای مرتضی بازرگان در زمینه قصد دولت موقت به برقراری روابط با آمریکا و ادامه فروش نفت به اسرائیل؟! نقل شده بود که جای شگفتی دارد. آقای مرتضی بازرگان نه عضو وزارت خارجه و سخنگوی دولت یا رابط با سفارت آمریکا بوده است و نه هیچگاه عضویت یا فعالیت در نهضت آزادی ایران داشته است که کلام فرضی ایشان سند جرم نهضت و سران آن محسوب گردد. مضافاً به اینکه داشتن روابط دیپلماتیک با آمریکا در آن شرایط علاوه بر آنکه مورد قبول و تصویب شورای انقلاب قرار گرفته بود، رهبر انقلاب نیز در پاسخ به سؤال رئیس دولت موقت برای قطع روابط با آمریکا به دلیل کارشکنی‌ها و عدم تحویل شاه، تاکید کرده بودند «کجدار و مریز عمل کنید».

برای نهضت آزادی نه ارتباط با بیگانگان و سازش با آنها اصل است و نه دشمنی و درافتادن با آنان، بلکه هدف اصلی استقلال کشور و تأمین مرام نه شرقی نه غربی و سعادت دنیا و آخرت ملت ایران است.

۵- اگر «لیبرالیسم» همانطور که در نشریات نهضت به تفصیل بیان شده است، به معنی آزادی و اختیار انسان برای حاکمیت بر سرنوشت خویش باشد، چنین مفهومی از مشیت حکیمانه پروردگار برای رشد و کمال بندگان نشأت گرفته و از شعارهای اصیل انقلاب<sup>۱</sup> و اصول و آرمان‌های ملت ایران در مبارزات دویست ساله اخیر اخذ شده است.

اگر مصلحین و بیدارگرایی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، نائینی، مدرس و مصدق مقابله با فرهنگ استبدادی و تأمین آزادی را محور اصلی تلاشهای خود قرار دادند، سران نهضت آزادی نیز در همان راستا، در طول مبارزات چند دهه گذشته، علیرغم تضییقات و تهدیدها و زندانها، به عنوان فریضه‌ای دینی و ملی، بر موضع مبارزه با استبداد و تأمین آزادی و حاکمیت ملت پافشاری کرده‌اند. وعده الهی «العاقبه للمتقين» این امید را در دلها زنده می‌کند که «ورشکستگی» سرنوشت محتوم کسانی خواهد بود که با بی‌تقوائی و خودپرستی به اشاعه اکاذیب و القاء اباطیل می‌پردازند و تصور می‌کنند می‌توانند سد و مانعی برای رشد و آگاهی توده‌ها به وجود آورند و سنت‌های الهی را خنثی نمایند.

---

1 - چنین شعاری در اصول سوم، نهم، پنجاه و ششم و فصول سوم و پنجم قانون اساسی تبلور یافته است.

۶- تجربه هفتاد ساله نظام توتالیتر مارکسیسم در شوروی و کشورهای اروپای شرقی و گسستن زنجیرهای استبداد و اختناق که بر دست و پای انسانها زده شده است، سرآغاز تحول وسیع و عمیقی در تاریخ جهان و بشارت دهنده پیروزی «آزادی و کرامت انسانی» است. جا دارد کسانی که همچون کبک تصور می‌کنند می‌توان واقعیات را نادیده گرفت و برخلاف جریان و قاموس خلقت شنا کرد، از واقعیات عبرت بگیرند و به اصلاح روش‌های خود همت گمارند.

تحولات کشورهای سوسیالیستی به وضوح نشان می‌دهد که برای حل بحرانهای سرنوشت‌ساز اقتصادی تنها راه و اولین گام، برگشت به دموکراسی و محو اختناق و استبداد می‌باشد.

۷- بعد از گذشت ۸ سال از تصویب قانون احزاب در مجلس شورای اسلامی و گذشت حدود یکسال از تصمیم حاکمیت برای اجرای آن تسلیم به موقع مدارک و تکمیل پرونده نهضت آزادی ایران در کمیسیون ماده ۱۰، اینک حاکمیت و به ویژه اعضای کمیسیون مربوط، در برابر ابتلا و آزمایش بزرگی قرار گرفته و مجبور به اتخاذ یکی از دو تصمیم هستند: حفظ استقلال رأی در رعایت قانون و مصالح ملک و ملت، و یا تاثیرپذیری از جوسازی مغرضانه و سواسان خناس و ریختن آب به آسیاب دشمن.

...

...

## نهضت آزادی ایران

۶۸/۹/۱۰

نقل از روزنامه کیهان

مقاله ورشکستگی لیبرالیسم در ایران

سخنان حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی در مجمع فرماندهان بسیج در جوار مرقد مطهر حضرت امام، درباره خیانت‌های لیبرالها در طول انقلاب بهانه نوشتار زیر شد، توجه شما را به آن جلب می‌کنم:

---

1 - هیچ عملی نیست که انجام میدهید مگر آنکه ما بر شما کاملاً آگاهیم، همانگاه که در آن کار با تمام وجود فرو رفته‌اید.

\*در ۲۱ مرداد بیدن کوپف مدت دو ساعت بازرگان، یزدی و انتظام را درباره اوضاع منطقه توجیه نمود. کاردار و رایزن سیاسی نیز در جلسه حضور داشتند. طول مدت جلسه قرار بود یک ساعت باشد و سئوالات متعدد طرح شده نشان می‌دهند که مقبول افتاده است.»

(اسناد لانه جاسوسی شماره ۵۶ص ۹)

\*بازرگان آنگاه با صرف وقت در لغاتی که به کار می‌برد گفت که نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است اگر شاه حاضر باشد تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.»

(اسناد لانه جاسوسی شماره ۲۰ - ص ۲۱)

اجرای قانون احزاب در ایران با همه خوبیها و کم و کاستی‌هایش متأسفانه میدانی برای توجیه آفرینی لیبرالها و مجالی برای تنفس احزاب دروغین فراهم کرد. و عده‌ای به تصور آنکه خیانت‌هایشان در افکار عمومی به دست فراموشی سپرده شده امر بر آنها مشتبه شد و بار دیگر دادن شعاع «دموکراسی» را پیشه خود کردند. از جمله «لیبرالها» و بازرگانان شکست خورده بازار سیاست آمریکا در ایران.

«لیبرالیسم» از آن دسته واژه‌های کلی است که در ایران لامحاله به واژه‌ای منفور مبدل شده است.

صرف نظر از هر تعریف و معنای مردم فریبی که برای «لیبرالیسم» در فرهنگ لغت‌های گوناگون غرب و شرق آمده باشد، پس از انقلاب دوم ایران، یعنی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، لیبرالیسم که پته‌اش روی آب افتاد لیبرالیسم به معنی یک جریان وابسته محض شناخته می‌شود.

در ایران الفاظ «دموکراسی»، «تفکیک قوا»، «مالکیت خصوصی»، «حقوق بشر» و ... آنگاه که از دهان بازرگانان سیاست غرب شنیده شود، خریداری ندارد. دلیلش هم پر واضح است. لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی ره‌آورد روشنفکرانی است که از غرب باز آمدند. شیفتگی آنان به دموکراسی غرب، کار آنان را در وطن به بیگانه‌پرستی کشاند. تا آنجا که پذیرفتند با ظهور انقلاب اسلامی، در جهت زوال آن در خدمتگذاری سفارت آمریکا سنگ تمام بگذارند.

شیطان بزرگ برای ریشه دواندن در تاروپود جامعه از همین غرب‌زدگان سود برد. در همین رابطه تماس با گروه‌های سیاسی مختلف از جانب سفارت آمریکا دو هدف عمده را تعقیب می‌کرد: نخست کسب اطلاعات لازم از وضعیت مخالفین و دوم استفاده لازم از سرسپردگان در شرایط اجتماعی، سیاسی حاد، بدین نحو که در شرایط حیاتی با چهره‌های به ظاهر مخالف وارد صحنه شوند و با کانالیزه کردن جریان‌ات اصیل اجتماعی قدرت را به ظاهر به دست گیرند.

نتیجه کار نهضت آزادی، جبهه ملی و ... در حمایت از واشینگتن همان بود که دیدیم. امیر انتظام‌ها، مقدم مراغه‌ای‌ها، میناچی‌ها و بازرگان‌ها زاینده و برآمده از شبکه روابطی بودند که سرویس اطلاعاتی آمریکا

سرنخ همه آنها را در سرانگشتان خود داشت و در واقع «لیبرالیسم» در ایران همچون عروسک خیمه‌شب‌بازی بود که نمایش آن را آمریکا صحنه گردانی می‌کرد.

اشتباه بزرگ لیبرالها در ایران نداشتن شناخت درست از ماهیت انقلاب اسلامی بود. زیرا در همان زمانی که میلیونها مسلمان ایرانی فریاد «مرگ بر آمریکا» سر می‌دادند، مرتضی بازرگان برادر زاده نخست‌وزیر موقت از طریق لانه جاسوسی به آمریکا اطمینان می‌داد که دولت موقت در پی داشتن بهترین روابط ممکن با غرب بوده و حتی فروش نفت به اسرائیل را ادامه خواهد داد!

به همین دلیل بود که طیف رنگارنگ گروهکهای ضد انقلاب و به خصوص منافقین این «فرزندان معنوی آقای بازرگان» به محض سقوط دولت موقت فریاد «وای آزادی!» زدند و دیدیم که آزادی خواهی لیبرالی آنان را به چه روزی در اسلام آباد کشاند!

یک دهه از انقلاب می‌گذرد و در مشی ضد آمریکایی انقلاب جای هیچ تردیدی نیست. ملت زخم خورده فریب دموکراسی غرب را نمی‌خورد. قانون احزاب در ایران بر اساس دموکراسی اسلامی اجرا می‌شود اما آیا با اسناد روشنی که درباره نهضت آزادی و دیگر ماموران آمریکا در دست داریم کمیسیون ماده ۱۰ به جاسوسان حیات دوباره می‌بخشد؟ و به آنان اجازه فعالیت می‌دهد؟

هشیار باشیم که گول شعارهای «آزادی» خواهی دروغین را که از آخور غرب و آمریکا تغذیه می‌شود نخوریم. **«مسعدت»**